

دریچه

نقشه تدقیق گسل‌های تهران در انتظار تأیید وزارت راه

● مهر: رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران گفت: تکلیف ساخت‌وساز روی گسل‌های شهر تهران با تأیید و ابلاغ نقشه تدقیق گسل‌های شهر تهران از سوی وزارت راه، مسکن و شهرسازی مشخص می‌شود. احمد صادقی با بیان اینکه براساس قانون، سازمان نظام مهندسی، متولی نظارت بر ساخت‌وساز است و قانون به آنها اختیار داده درباره کنترل سازه ناپایدار و رعایت‌نکردن ضوابط ساخت‌وساز، اخطار و هشدار لازم را درباره اصلاح سازه بدهند، گفت: از سوی دیگر در طرح جامع شهر تهران مصوب سال ۸۵، آیین‌نامه و دستورالعمل خاصی برای شهرسازی در نظر گرفته شده است به‌طوری‌که براساس آیین‌نامه ۲۸۰۰، ساخت‌وساز روی گسل‌ها امکان‌پذیر نیست و تابع پیاده‌سازی شرایط خاص نقشه است. او خاطرنشان کرد: بدین ترتیب قوانین شهرسازی در شهر تهران، صدور مجوز ساخت‌وساز و پیاده‌سازی نقشه‌ها را منوط به اطلاعات تکمیلی شناسایی گسل‌ها و مشخص‌کردن پهنه گسلی کرده است، صادقی در ادامه اظهار کرد: سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران در حال حاضر نقشه تدقیق گسل‌های شهر تهران را در اختیار وزارت راه، مسکن و شهرسازی به‌عنوان متولی امر ساخت‌وساز قرار داده است تا در صورت تأیید نهایی از سوی وزارتخانه، ساخت‌وساز در پهنه گسل‌های شهر تهران براساس بررسی دقیق باشد.

تسهیلات بانکی برای قلیان‌سراهایی که شربت‌خانه شوند

● ایسنا: معاون فرهنگی و امور جوانان اداره کل ورزش و جوانان استان کرمان، گفت: در مذاکرات انجام‌شده با یکی از بانک‌ها، صاحبان قلیان‌سراهایی را که علاقه‌مند هستند تبدیل به شربت‌خانه یا قهوه‌خانه شوند به بانک معرفی می‌کنیم تا وام با سود دو درصد دریافت کنند. روح الله اسدی افزود: سازمان‌های مردم‌نهاد، محله به محله به قلیان‌سراها مراجعه می‌کنند و از آنان می‌خواهند قلیان‌سراها به قهوه‌خانه و شربت‌خانه تبدیل شوند. برای صاحبان این قلیان‌سراها دوره آموزشی نحوه درست‌کردن قهوه برگزار می‌کنیم. وی با اشاره به اجرای کمپین قلیان‌ها را گلدان کنیم در استان کرمان، گفت: دو هفته قبل جشن ۸۰۰ نفره‌ای در یکی از بارک‌های کرمان که افراد به‌طور علنی در آن قلیان مصرف می‌کنند، برگزار کردیم؛ برخی افراد قلیان‌های خود را می‌آوردند و ما آنها را به گلدان تبدیل می‌کردیم و همراه اینترنت رایگان به آنان تحویل می‌دادیم. معاون فرهنگی و امور جوانان اداره کل ورزش و جوانان استان کرمان افزود: قصد داریم در سال جاری به‌صورت مشارکتی با دستگاه‌های عضو ستاد ساماندهی استان کرمان به اجرای برنامه‌های خود بپردازیم، چراکه با هم‌افزایی بودجه و امکانات برنامه‌های بهتری را برای جوانان می‌توانیم اجرا کنیم. این را به همه شهرستان‌ها اعلام کردیم. برنامه هفته جوان این‌گونه برگزار شد، او در ادامه گفت: قصد داریم نشاط اجتماعی را افزایش دهیم که برای دستیابی به این هدف به همه دستگاه‌ها نیاز داریم.

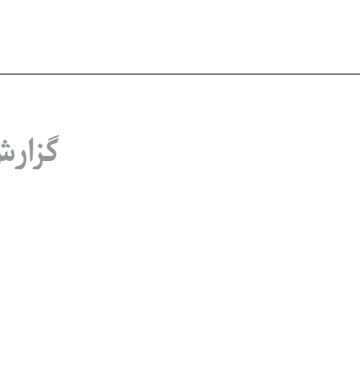
پیشنهاد نام‌گذاری معبری به نام «محمدعلی کلی»

● شرق: یکی از اعضای شورای اسلامی شهر تهران با اشاره به درگذشت قهرمان اسطوره‌ای ورزش دنیا خواستار نام‌گذاری معبری به نام وی شد. اقبال شاکری در دبوست‌وششم‌چهارمین جلسه شورا گفت: دبیزور واقعه دردناک اتفاق افتاد و آن درگذشت قهرمان اسطوره‌ای جهان محمدعلی کلی؛ نماد ایستادگی برابر تبعیض نژادی و مقابله با سیاست‌های امپریالیستی آمریکا در جنگ با ویتنام بود.

انتصاب مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری ایرانگردی و جهانگردی

دکتر مهرداد تاوولی جایگزین مهندس محسن قریب شد

● روز گذشته مهندس محسن قریب، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری ایرانگردی و جهانگردی، بعد از یک دوره دوساله تودیع و دکتر مهرداد تاوولی به عنوان مدیرعامل جدید معارفه شد. به گزارش روابطعمومی، جلسه تودیع و معارفه در تاریخ ۱۳/۲/۹۵ با حضور مسئولان هلدینگ سرمایه‌گذاری آتیه صبا و اعضای هیأت‌مدیره، معاونان و کارمندان شرکت برگزار شد. در این جلسه، اعضای هیأت‌مدیره و معاونان با قدردانی از زحمات قریب در دو سال گذشته به مدیرعامل جدید خوش‌آمد گفتند. قریب نیز با شرح مختصری از فعالیت‌های این سازمان در مدت فعالیت خود، آرزو کرد مدیریت جدید بتواند اهداف سهام‌داران را بیش‌ازپیش محقق کند. دکتر تاوولی پیش از این مشاور محسن قریب در این شرکت بوده و دانش آموخته هندلاری و مدیری از جنس بدنه هندلاری است. در کارنامه کاری او در آخرین سمت، مدیرعاملی هتل شایگان کیش قرار دارد. محسن قریب نیز مدیر توسعه و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و مشارکت‌های داخلی هلدینگ «آتیه صبا» شد.



توی ظل آفتاب روز تعطیل، ماشین انتهای یک جاده خاکی روبه‌روی یک ساختمان شبیه مدرسه‌های قدیمی و کهنه می‌ایستد، درهای آهنی بزرگ ساختمان که رنگش یادم نیست، بسته هستند. درست جلوی در ورودی، یک پایپ شکسته افتاده، انگار قبل از ورود به کمپ، برای تک، آخرین دود را دمیده و بعد پایپ را روی زمین انداخته، جلوی در، جایی آخر تهران. اینجا یکی از کمپ‌های ترک اعتیاد زنان است. کمپ تمایلی غرب تهران که معتادها با میل خودشان برای ترک به آنجا می‌روند. در آهنی با صدای قیژ بلندی باز می‌شود. زن سرش را از لای در بیرون می‌آورد و با دیدن من و آوردن نام سپیده علیزاده، مشاور کمپ، صورتش پرخنده می‌شود و لثه بی‌دندانش نمایان، شلوار قرمزی به پا دارد، با دمپایی‌های صوری بیمارستانی لخ‌لخ‌کنان، عرض کوتاه حیاط را طسی می‌کند و بعد جلوی وسایل ورزشی محدود با خودنمایی می‌ایستد و دستش را روی یکی از وسایل می‌گذارد و می‌گوید: «بنا اینا ورزش می‌کنم. هر روز…» بعد انگار یادش آمده باشد، با سرعت بیشتر به سمت دفتر می‌رود… از مددکار که اجازه ورودم را می‌گیرد، در کمپ به رویم باز می‌شود… حیاط خالی است، هوا گرم است و پسرک کوچک و ریزنقشی با هیجان، بالا و پایین می‌پرد، پسر مددکار کمپ که با اعتماد کامل او را به دست همان زنی می‌سپارد که در را به روی ما باز کرده، «مریم» ۲۰ سال سابقه اعتیاد و کارتن‌خوابی که حالا سرشیفت کمپ اعتیاد است. مریم یک سال و نیم است که پاک است اما زخم‌های ۲۰ سال اعتیاد روی صورتش نمایان است… ناهارخوری یک سالن ساده است و قدیمی، با صندلی‌های پلاستیکی سفید و سفره‌هایی گل‌دار که روی میزهایی که به هم چسبانده‌اند انداخته‌اند تا کمی شبیه خانه باشد. از آشپزخانه یک پنجره کوچک به سمت غذاخوری باز است، آیسان سرش را از پنجره داخل کرده و غر می‌زند که چرا برای غذا عجله می‌کنند، ناهارشان عدس‌پلو است. در کاسه‌های متوسطی برایشان عدس‌پلو کشیده‌اند، کسی تعارفم می‌کند: «ارادت، خانم یزن به لقمه…» بعد دوباره به خوردن ادامه می‌دهد. حالا پسر کوچک مددکار روی پای یکی از آنها نشسته و با آب و تاب برایش از ماشین‌پلیس می‌گوید و او لقمه‌های عدس‌پلو را در دهان کودک می‌گذارد. محبوبه گوشه سالن، به دور از جمع روی صندلی نشسته. پایین مواهیش بنفش کمربتی است و حکایت از روزهای دارد که به دست آرایشگری چیره‌دست، آراسته شده بود، نگاهش را می‌دزد؛ انگار نه‌انگار که این همه راه به خاطر او آمده‌ایم، لقمه‌ها را با حرص می‌چود و نگاه نمی‌کند؛ صدای آیسان دوباره می‌آید و می‌گوید آتهایی که غذا نخورده‌اند، باید کمی صبر کنند تا غذا حاضر شود… مددکار توی گوشم می‌گوید: «آیسان سه روزه برگشته. سه ماه پیش فرار کرد، حالا سه روز است که پاک شده، خودش با پای خودش آمده‌تا دوباره از نو شروع کنند…» آیسان، همان دختری است که یک

سال پیش گزارشش در گروه اجتماعی روزنامه شرق منتشر شده بود. حالا روی صورتش را پوشانده، به بهانه اینکه خجالت می‌کشد تا توی صورت مددکار کمپ نگاه کند، هیکل نحیفش را روی میل ولو می‌کند و می‌گوید: «خانم علیزاده این‌بار هم پام وایساد، من همه کاری کردم اما الان سه روزه پاکم. این‌بار با پای خودم اومدم به خودم». حالا در آستانه ۱۸سالگی است با کوله‌باری از تجربه زندگی در خیابان، وقتی که فرار می‌کند، با چند نفر از دوستانش که در خیابان می‌شناخته روزگار می‌گذرانده. می‌گوید: «روزهای آخر زنگ زدم به مادر بزرگم؛ تنها سرپرستی که دارم مادر بزرگم است که از دستم زله شده. بهش گفتم که زنگ یزن به خانم علیزاده، بگو می‌خوام برگردم کمپ، اما گفت هر جا می‌خوای بری برو، به من ربطی نداره و اینجا باید رفت و آمد کنی. سه سال شیشه کشیده و بیابان می‌تونم ترک کنم. از روز اولم رفتم تو آشپزخونه کار کنم، الان سه روز شده که پاکم. سه روز شده… می‌کن نباید بشمری، اما من می‌شمرم، حالا سه روزه پاکم. خودم اومدم این‌بار…» بعد از چند دقیقه فرزانه می‌آید داخل دفتر، او با مادرش برای ترک به کمپ آمده، هر دو معتادند. آن‌های که از پدر فرزانه برایشان باقی مانده. آن‌قدر لاغر است که مددکار می‌گوید: «نشکنی فرزانه…» وای که چقدر خوشکل شدی این روزها… روز اول یادته؟ فرزانه جواب‌هایش آره و نه است، کوتاه و منقطع جواب می‌دهد. دخترکی که هنوز ۱۸ساله نشده، دختری از محله استاد معین که اولین‌بار پایپ از دست پدرش گرفته… سه سال شیشه کشیده و بیابان ۲۱ روز است که پاک شده، مرحله سم‌زدایی اما حداقل ۳۰ روز است، هنوز به ۳۰ روز نرسیده‌اند که پدرش باشنه در را از جا کنده که بیرون بیایند. حالا مادر فرزانه و خودش باید بار و بندیشانش را جمع کنند و بروند محله استاد معین، پیش خواهر کوچک‌ترش و پدر. می‌گویم: مطمئنی که دیگر نمی‌کنشی؟ انگار دلش نمی‌خواهد جواب بدهد. مددکار می‌گوید: می‌دونی چه‌طوری فرزانه قبول کرده بیاد اینجا؟ گفته به شرطی میاد که براش تبلت بخرن. منم می‌گم اگر فرزانه



عکاس: امیر جدیدی شرق

پدرش رو راضی کنه که ۱۰ روز دیگه اینجا بمونم و دوباره بره مدرسه، خودم براش تبلت می‌خرم… فرزانه خجل است و مغمو؛ فضای دفتر سنگین است، من در نقش دوست خانم مددکار، نگاهم را روی شانه‌های دخترک ۱۵ساله‌ای دوخته‌ام که به عشق داشتن یک تبلت حاضر شده از پای بساط بلند شود، احتمالاً اگر پدر به او وعده تبلت بدهد، دوباره پایپ را به دندان می‌گیرد و تمام… فرزانه آشفته است، هرچه می‌پرسم جوابش آره است و نه. می‌پرسم: دیگر نمی‌کنشی؟ نه… می‌خواهی برگردی خانه؟ آره… چرا؟ بروم پیش خواهرم… پدرت را دوست داری؟ … درس‌خوان بودی؟ آره… الان خوبی؟ آره… اینجا را دوست داری؟ آره… تبلت می‌خواهی؟ آره… دوست داری با تبلت بازی کنی؟ … هنوز از محبوبه خبری نیست. سپیده می‌گوید: الان در فاز افسردگی است و بی‌حوصله است. از راهروها رد می‌شویم تا به خوابگاه برسیم… توی یک اتاق کوچک یک خوشخواب قدیمی گذاشته‌اند در روی در نوشته: اتاق فیزیک… اینجا همان اتاق درد است، جایی که معتاد اولین روزهای ترکش را می‌گذرانند… همان دردهای ویرانگر، همان روزهای لغنتی اعصاب‌زدکنی که عرق می‌ریزد و سم از تنش خارج می‌شود، روزهایی که بالش را گاز می‌گیرد و تنها راه درانش تحمل است… روزهای تب و التهاب و ترس… درهای خوابگاه هم آهنی است… بارش که می‌کنند، تاریک تاریک است، ساعت نزدیک دو بعدازظهر است و زن‌ها هرکدام توی تخت‌شان خریده‌اند تا بعدازظهر را بگذرانند. از صدای با هرکدام سرشان را از زیر پتو بیرون می‌آورند. محبوبه روی تخت با خوابیده یا خودش را به خواب زده… سپیده تکانش می‌دهد، با دلهره می‌پرسد… نگاهمان می‌کند و می‌گوید: حرفی ندارم که بگم… او از می‌خواهم که اجازه بدهد روی تختش بنشینم… با تردید قبول می‌کند، باهایش را جمع کرده توی شکمش، سرش را مدام بر نمرده تخت می‌زند. می‌گوید: سرم درد می‌کنه… قرص داری؟ قرص دارم، با تردید بسته ژلوفن را توی دستم نگه می‌دارم و می‌پرسم مشکلی نداره



سیدمحمد بهشتی در انتقاد از تخریب بناهای تاریخی مطرح کرد:

بر خورد سوداگرانه با بافت تاریخی اطراف حرم امام‌رضا

محله بنی‌هاشم و… از بین رفته است. بهشتی گفت: از آن جهت روی مکه و مدینه تاکید دارم که این دو شهر قبله افرادی‌اند که کارهایی این‌چنینی در کشور انجام می‌هند و اگر به حال خود رها شوند، آینده‌ای هم که پیش‌روی آنهاست همان چیزی است که الان در مکه و مدینه و در کنار افتادن است البته این فقط نگاه وهابیت است که مخالف اعتبار قائل‌شدن برای شخصیتی است که در مکان زیارتی خاص قرار دارد، زیرا که از دید سلفیون هرچه بعد از آنها اتفاق افتاده، بی‌اعتبار است به‌نحوی‌که متقدم اگر وهابیون تحت فشار افکار جامعه اسلامی بودند شاید مرقد حضرت رسول(ص) را هم نابود می‌کردند و جایش پاساژ می‌ساخند.

بهشتی با طرح این پرسش که آیا شهر مشهد متعلق به مشهدیه‌ها، شورای شهر، شهرداری و… است؟ تصریح کرد: شهر مشهد متعلق به جهان اسلام و به‌ویژه شیعیان ایران است اما متأسفانه تصمیماتی که درباره آن گرفته شده، در حد یک شهر کوچک و بدون دخالت اکثریت است. بهشتی اتفاقی را که برای بافت تاریخی مشهد افتاده تلخ و ناگوار دانست و گفت: مسلم است اگر بخواهید مسیر اصلاح را هم طی کنید آثار این زخم عمیق که ایجاد شده به جای خواهد

پس از ۷۷ روز هوای سالم و پاک در پایتخت اتفاق افتاد

ثبت نخستین روز ناسالم ۹۵ در تهران

افراد حساس، تشدید بیماری قلبی و ریوی، مرگ‌میر زودرس در افراد مبتلا به بیماری‌های قلبی - ریوی و افراد مسن است؛ بر همین اساس توصیه می‌شود در منطقه ناسالم این افراد فعالیت‌های طولانی‌مدت در فضای باز را کاهش دهند. به گفته نظری، پیش

سال	پاک	سالم	ناسالم برای گروه‌های حساس	ناسالم برای همه	بسیار ناسالم
۹۵	۵	۳۵	۳۹	۲	۲
۹۱	۵	۴۴	۲۹	۴	۱
۹۲	۲	۶۸	۸	۵	۵
۹۳	۷	۷۵	۱	۵	۵
۹۴	۱۵	۵۶	۱۲	۵	۵
۹۵	۱۱	۶۶	۱	۵	۵

جامعه

گزارش «شرق» از تجربه زخم‌های تکراری در یک کمپ ترک اعتیاد زنان در نزدیکی تهران

ترک به شرط تبلت

شهرزاد همتی

قرص بدم بهت؟ می‌گوید: نه اگه ژلوفن باشه عیبی نداره… قرص را توی دستانتش می‌گذارم که کسی از پشت سرم می‌گوید: برای بی‌خوابی و کم‌درمد قرص نداری؟ می‌شه بدی… محبوبه بی‌تاب است. حالا ۳۰ روز است که در کمپ مانده و یکی، دو روز بیشتر میهمان نیست… می‌گوید: «اصلاً نمی‌فهمم من رو برای چی اینجا نگه داشت… با یا کار و زندگی دارم…» می‌پرسم: «کجا می‌خواهی بروی؟» چشمان درشت و خوش‌رنگش را توی صورتم زل می‌کند و می‌خندد… با خنده‌اش نکیس روی دندانش نمایان می‌شود و می‌گوید: «می‌دونم کجا برم… همون جایی که بودم…» همون جایی که می‌دونسی… چرا نرم؟» حالا آرام آرام از خانه‌ای که بوده حرف می‌زند… هرچه می‌گویم نشانی نمی‌دهد… می‌گوید: «شوهرم هم در جریان بود، ما می‌رفتم اونجا، ۱۰۰ تومن هزینه کارمون بود.

از این ۱۰۰ تومن ۴۰ تومن به من می‌رسید و بقیه سهم صاحبان خانه بود. من کار می‌کردم تا بچهام زندگی کند… شوهرم هم می‌دانست… بعد یک روز با پلیس آمد سراغم… گفت این زن بی‌اخلاق است و افتادم زندان…» بعد آمد ملاقاتم و گفت در صورتی رضایت می‌دهم که مهریه‌ات را ببخشی، خانه شهرسانت را ببخشی، ماشینت را هم ببخشی…» همه را به نامش کردم و آزاد شدم، دوباره همه چیز از نو شروع شد… . کار کردم و کار کردم و کار کردم… یخچال خانه خودم و خواهر شوهرم را عوض کردم… چقدر سرم درد می‌کنه… محبوبه اما هنوز شوهرش را دوست دارد، هم می‌خواهد و هم نمی‌خواهد که برگردد، سهم او از فروش روحت ۴۰ هزار تومان بود، ۴۰هزار تومان‌کی یخچال مانده‌شان شد و ماشین زیر پای شوهرش… سهم او اما شیشه بود و اختلال دوقطبی و فراموشی لحظه‌ای. ۱۰ دقیقه بعد دیگر من را نمی‌شناسد و می‌گوید که بروم… ماجرا اما فقط ترک نیست، زن‌ها در کمپ ترک می‌کنند، اما جایی برای رفتن بعد از ترک ندارند، جای خوابشان دوباره می‌شود خیابان، حالا از پارک حقانی به کوچه‌های دروازه غار اساب‌کشی کرده‌اند، محبوبه می‌رود دوباره پیش شوهرش، آیسان دوباره به خیابان، فرزانه پیش مادر و این چرخه معیوب دوباره تکرار می‌شود. همه چیز سر جای خودش است. معتاد در کمپ ترک می‌کند و بعد از ۳۰ روز که گوشتی زیر پوستش آمد دوباره به خیابان می‌رود و کمپ‌ها انگار فقط یک اقامتگاه موقت‌اند برای تجدید قوا… درهای آهنی خوابگاه بسته می‌شود؛ دوباره از جلوی اتاق فیزیک رد می‌شوم؛ آیسان توی حیاط بی‌هدف می‌چرخد؛ مریم وقت خداحافظی دستام را محکم فشار می‌دهد و روبوسی می‌کند؛ درهای کمپ بسته و روز هم تمام می‌شود. جلوی در کمپ هنوز پایبی شکسته افتاده، لپش نمی‌کند، از کنارش رد می‌شوم و روز تمام می‌شود…»

«**اسامی افراد بستری، بنا به درخواست مددکار کمپ، مستعار انتخاب شده و مستندات گزارش نزد خبرنگار روزنامه شرق محفوظ است.**

مانند، اما وجود حضرت امام(رضاع) و رفتاری که جامعه شیعه در شهر مشهد خواهد داشت، عملاً اتجا را به سمتی می‌برد که مقوم امر زحمتی است. حتماً ایندگان از نسل ما به بدی یاد می‌کنند و شاهد آن زخمی هستند که ما بر بافت تاریخی مشهد به جای گذاشتیم و این سندی است که این‌دگان بداندن چه دورانی در تصرف سوداگران بر این شهر گذشته است، وی پدیدآمدن هوشاری در تفکر عمومی و رسانه‌ها را نشان از امکان تغییر مسیر در این مقوله دانست و گفت: آنچه در طراحی اطراف حرم امام‌(رضاع) پیش‌بینی شده، ۳۶۰ هکتار بوده که فقط یک‌سوم آن اتفاق افتاده و دوسوم این تخریب‌ها انجام نشده است ازاین‌رو می‌شود ترمز این قطار که به سمت دره می‌رود را کشید و اجازه نداد مقدار باقی‌مانده مشمول این تخریب‌ها شوند.

بهشتی با بیان اینکه شورای شهر مشهد عزم در نابودی این شهر دارد

و در این مسیر از هیچ اقدامی فروگذار نیست، تصریح کرد: این راهی است که در دولت پیشین باز شده و نمونه آن در شیراز هم در حال وقوع است. به گفته بهشتی، پیش از دولت قبلی نیز شاهد این‌گونه تخریب‌ها در بافت‌های تاریخی بوده‌ایم اما وسعت تخریب‌ها هرگز به این حد نبوده است.

ادامه از صفحه اول

نقدی بر قانون جرم سیاسی

مجرم سیاسی سورفتار و سوهنیت دیگر مجرمان را ندادند بلکه با این عقیده وارد عرصه تقابل با قدرت حاکم می‌شود که به زعم او دولت از ضوابط و اصول حاکم بر تعامل با شهروندان عدول کرده و بنابراین باید اندیشه دیگری حاکم بر روابط حکومت‌کنندگان و مردم شود و همین موضع فکری لزوم وجود قواعدی خاص (ترجیحی) را چه از حیث تشریفات رسیدگی به جرم و چه از حیث مجازات، موجه و قابل‌دفاع می‌کند، برای تحقق جرم سیاسی علاوه بر سوهنیت عام یعنی قصد ارتکاب عمل مجرمانه (در کنار دو عنصر قانونی و مادی) تحقق سوهنیت خاص یعنی قصد انگیزه‌های شخصی حسن‌نیت و عدالت‌خواهی از اهمیت زیادی برخوردار است.با عنایت به این انگیزه جرائمی که بر ضد تمامیت جسمانی افراد یا آزادی اشخاص صورت می‌گیرد از قبیل، آدم‌ربایی، ترور، باداشت غیرقانونی و جرائمی که ارتکاب آن متضمن استفاده از مواد منفجره باشد، را نمی‌توان داخل در دایره جرم سیاسی دانست و براین‌اساس می‌توان توجش و خشونت‌های غیرانسانی را به‌عنوان ضابطه‌ای دیگر در تشخیص جرم سیاسی و تعیین حدود آن قرار داد.از نقطه‌نظر عقلی جرم سیاسی را می‌توان مبتنی‌بر این صورت‌مسئله ساده کرد که آیا کسی حق دارد فکر کند که اگر دولت حاکم از اصول و قواعد حاکم بر تعامل با شهروندان عدول کرده و حاضر به تعدیل و اصلاح رویکرد خود نیست و حاضر نیست قدرت را به مردم تسلیم کند چه راه‌حلی برای تقابل با چنین وضعیتی وجود دارد؟زمانی که افراد با عقاید گوناگون قادر به مشارکت در حیات سیاسی اجتماع بوده و بتوانند با ارائه دیدگاه‌های خود و مشاهده واکنش مردم در قبال این مواضع موقعیت خود را در بین افکار عمومی مورد ارزیابی قرار دهند دیگر چه بهانه‌ای برای دست‌بازیدن به اقدامات دیگر است؟ متأسفانه طرح قانونی «جرم سیاسی» در حالی پس از ۲۷ سال از پیروزی انقلاب اسلامی به تصویب مجلس شورای اسلامی تأیید شورای نگهبان رسید که مهم‌ترین دستاورد این قانون، تعریف «جرم سیاسی» با چالش‌های مواجه است و فروگاستن جرائم سیاسی به توهین و افترا و نشر اکاذیب تأمین‌کننده نظر قانون‌گذار، مؤسس نیست به‌خصوص که توهین به مقدسات و مقامات عالی‌رتبه و مراجع عظام تقلید را نیز از شمول جرم سیاسی خارج کرده و همچنان مشمول عنوان جرائم امنیتی است. جرائم مذکور بدون تعریف و تصویب این قانون که باید نتیجه ۲۷ سال تحقیق و بررسی بوده باشد، اگر توسط مطبوعات یا رسانه‌ها انجام می‌شد در وضعیت فعلی هم جرم مطبوعاتی تلقی می‌شد و با حضور هیأت‌منصفه و در دادگاه علنی مورد رسیدگی قرار می‌گرفت بنابراین به نظر می‌رسد مراد قانون‌گذار از احصای توهین، افترا و نشر اکاذیب به‌عنوان جرم سیاسی مربوط به مواردی مانند توزیع شب‌نامه یا سخنرانی در تریبون‌های عمومی باشد که از شمول قانون مطبوعات خارج هستند.قوانین و مقرراتی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به تصویب مراجع قانونی رسیده، حوزه وسیع‌تری را برای جرائم سیاسی در نظر گرفته‌اند است. ماده‌های لایحه قانونی رفع آثار محکومیت‌های سیاسی مصوب ۱۳۵۸/۱/۱۸ شورای انقلاب اسلامی اقدام علیه امنیت را جرم سیاسی تلقی کرده است و ماده ۱۵ قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۶۰/۷/۵، فعالیت به‌نفع گروه‌هایی که فعالیت آنها ممنوع شده، ارتکاب اعمال مغایر با مصالح جمهوری اسلامی از قبیل شایعه‌پراکنی، اعمال فشارهای گروهی یا فردی برای تحمیل مقاصد نامشروع یا به‌دست‌آوردن امتیازات قانونی و تبلیغ علیه نظام را جرم سیاسی تلقی کرده است.فلسفه لزوم تعریف جرم سیاسی در قانون اساسی و رواداری و سامحه‌حسب نسبت به مجرمان سامحه و عدم دشمن قانون‌مزور امتیازاتی را بر مجرمان سیاسی در نظر گرفته که شایان تقدیر است که این امتیازات به شرح زیر است:

الف- مجزائمسودن محل نگهداری در مدت بازداشت و حبس از مجرمان عادی

ب- ممنوعیت پوشاندن لباس زندان در طول دوران بازداشت و حبس

پ- ممنوعیت اجرای مقررات ناظر به تکرار جرم

ت- غیرقابل استردادبودن مجرمان سیاسی

ث- ممنوعیت بازداشت و حبس به صورت انفرادی به‌جز در مواردی که مقام قضائی بیم تبانی بدهد، آن را برای تکمیل تحقیقات ضروری بداند لکن درهرحال مدت آن نباید بیش از ۱۵ روز باشد.

ج- حق ملاقات و مکاتبه با بستگان درجه‌اول در طول مدت حبس و حق دسترسی به کتب و نشریات،

رادیو و تلویزیون در طول مدت حبس.